

پنجره روبه گناه



امید اسماعیلی

پنجره رو به گناه

نویسنده
امید اسماعیلی

پنجره رو به گناه

ISBN: 978-1-59584-581-8

موضوع: ادبیات داستانی

Esmaeli, Omid

اسماعیلی، امید



Ketab Corp.

1419 Westwood Blvd.
Los Angeles, CA 90024 U.S.A.
Tel: (310) 477-7477
Fax: (310) 444-7176

www.Ketab.com
Ketab1@Ketab.com

پنجره رو به گناه

اثر:

امید اسماعیلی

ناشر: شرکت کتاب

شابک: ۹۷۸-۱-۵۹۵۸۴-۵۸۱-۸

© ketab corp. 2016

All rights reserved. No part of this book may be reproduced or retransmitted in any manner whatsoever except in the form of review, without permission of the author or the publisher.

Manufactured in the United States of America

پنجره رو به گناه برگرفته از احساسات غریبانه و
آرزوهای دست نیافتنی نسلی است که چوب نسل گذشته
خود را خورد. نسلی که همه به آنها به دید نسل سوخته
نگریستند، نسلی که نه اجازه شکوفایی یافت و نه فرصتی
برای ارائه توانایی های خویش. نسلی که دید و آه
کشید، خواست و نگذاشتند، آرزو کرد و آرزویش بر باد
رفت. نسلی که دلخوشی اش حرف زدن با خود است!
من در گذشته، من از گذشته تخیلی است برگرفته از
واقعیت هایی دردناک از روزگار ما و روزگار گذشتگان
ما، تخیلی که در قالب خود فریاد حقیقتی است تلخ!
بازی خیال شاید تراوش ذهن متشنج من است، ذهنی که
حتی ثانیه ای آرامش ندارد. وقتی خواب است خوابش
آشفته و وقتی بیدار است چشمانش خفته!

امید اسماعیلی

پنجره رو به گناه

هر چقدر واسه بیکاری و تنهایی خودم نقشه میکشیدم به هیچ جایی نمی رسیدم، البته نه اینکه به هیچ جایی نرسیده باشم، رسیدم؛ ولی به چیزهایی که دردی از من دوا نمیکرد. الآن نه شغلی دارم و نه زن و بچه و زندگی معمولی شبیه بقیه آدم ها. روز و شبم در اتاق طبقه سوم خونه پدری میگذره، یه اتاق هفت هشت متری که یک پنجره رو به کوچه داره و پر شده از دلتنگیهای من. یک کتابخونه، یک میز، یک تخت، چند قاب عکس و پوستر از شخصیتهایی که روزی دوست داشتم مثل اونها بشم. آلفرد هیچکاک، بروس لی، صادق هدایت، چارلی چاپلین و یک عکس تکی از استن لورل.

از چند سال پیش هم برای اینکه تنهایی خودم را پر کنم افتادم دنبال کتابهای قدیمی صادق هدایت، جلال آل احمد، گوهرمراد و نویسندehای دیگه. کتابهاشون را میخریدم و مطالعه میکردم و الآن توی اتاقم یک کوه از این کتابها دارم. کتابهایی که از هر

کدوم چیزهایی یاد گرفتم. چیزی که از همه این داستانها و نوشته ها عاید شد شخصیتی بود که خودم هستم، در همشون خودم را دیدم، گاهی خودم را جای شخصیت بوف کور میذاشتم و گاهی جای معلم نفرین زمین جلال و بیشتر اوقات محرم چوب بدستهای ورزیل گوهرمراد میشدم. همه این شخصیتها خود من بودم و هستم چون همشون را تجربه کردم. ولی منادی الحق داستان حاجی آقا صادق هدایت همیشه در من وجود داشته حتی همین الان، همیشه خواستم که مستقل فکر کنم، برعلیه سنت های قدیمی و پوچ فریاد زدم، از پیرهای کم عقل و شهوت ران و پول پرست متنفر بودم، از نسلی که باعث شد نسل ما صفتی را دنبال خودش بکشد که شایسته اون نیست بیزارم،

ما کنون گشتیم نسلی سوخته بقیه شعر را یادم نیست!

همیشه پاسوز دیگران شدیم، برای ما تصمیم گرفتند چیزی نتوانستیم بگیریم، شغل و عشق و همه چیزمونو ربودند جرأت نکردیم اعتراض کنیم. امروز پیرمردها و مردهای مسن چند شغله و دوباره کار کن تعدادشون از جوانهای شغل دار بیشتره، خرفت های چند زنه تعدادشون از جوانهای متأهل فراتر رفته و فقر و فحشا بیشتر گریبان جوانها را گرفته و داره از پا درشون میاره. مگه گناه ما چی بود که این سرنوشتمون شد، اعتیاد، تن

Thank You for previewing this eBook

You can read the full version of this eBook in different formats:

- HTML (Free /Available to everyone)
- PDF / TXT (Available to V.I.P. members. Free Standard members can access up to 5 PDF/TXT eBooks per month each month)
- Epub & Mobipocket (Exclusive to V.I.P. members)

To download this full book, simply select the format you desire below

